

پیش بینی مساله وابسته به فرهنگ ارتباط با خانواده همسر در زوجین ایرانی بر اساس سبک های

دل بستگی

سجاد فروزش*، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره روانشناسی، قم S.foruzesh۶۳۶@Gmail.com

معصومه محسنی زاده، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، تهران M.mohsenizade@Gmail.com رسول روشن چسلی، دانشیار

گروه روانشناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران rasolroshan@yahoo.com چکیده

خانواده اصلی زن و شوهر و کیفیت ارتباط بین زوجین با آنها، نقش مهمی در کیفیت و ثبات زندگی همسران ایرانی ایفا می کند و این یک مساله وابسته به فرهنگ در جامعه ایرانی است. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر، پیش بینی ابعاد مختلف ارتباط با خانواده همسر بر اساس سبک های دل بستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا بود.

پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه جمع آوری داده ها از نوع توصیفی است که در قالب یک طرح همبستگی پیش بین انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر زوجین ۰۲ تا ۵۵ ساله ساکن قم بودند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی (۰۲۲ نفر) مرد و (۰۲۲ زن) انتخاب شدند و پرسشنامه های سیستمی-مثلثیسنجش ارتباط با خانواده همسر و دل بستگی کولینز و رید را تکمیل نمودند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

از میان مولفه های سبک های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن ($P < 2/220$)، بهترین پیش بینی کننده ابعاد اتحاد و مرز بندی منعطف و سبک های دلبستگی ناایمن دوسوگرا و ناایمن اجتنابی ($P < 2/220$)، پیش بینی کننده های بعد پیوستگی در ارتباط با خانواده همسر بودند.

نتایج پژوهش از این باور حمایت می کند که روابط اولیه افراد در محیط خانواده به شکل گیری سبک دلبستگی خاص منجر می گردد و این تجارب بر روابط بین فردی زوجین در نحوه ارتباط با خانواده همسر در بزرگسالی تاثیر مستقیم میگذارد.

واژگان کلیدی: ارتباط با خانواده همسر، فرهنگ، سبک های دلبستگی، دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن اجتنابی، دلبستگی ناایمن دوسوگرا.

Predicting the Issues Caused by Relationships with In-laws in the Iranian Couples Based on the Attachment Styles

Sajad Foruzesh*, MSc of Counseling, Qom, Iran (Email: s.foruzesh۶۳۶@gmail.com)

Masume Mohsenizade, M.A of Clinical Psychology, Tehran, Iran (Email: m.mohsenizade@gmail.com) Rasol Roshan Chesli, Associate Professor, Shahed University, Tehran, Iran (Email: rasolroshan@yahoo.com)

Abstract

In the Iranian culture, families of the husband and wife and quality of the couple's relationship with them largely affect the quality and stability of marriage life. The present study aimed to predict the different aspects of the relationship with in-laws based on the secure, avoidant and ambivalent-insecure attachment styles.

This research was fundamental in terms of objective and descriptive in terms of data collection. Sample population consisted of the married couples aged 20-50 years in Qom, Iran, who were selected via random sampling. In total, 300 participants (100 men and 100 women) completed the triangular questionnaire of in-laws relationships and Read & Collins' attachment styles scale. Data analysis was performed using correlations and stepwise regression analysis.

The results showed that among the components of attachment styles, the secure attachment style ($P < .001$) was the most significant predictor of the two aspects of union and flexible boundaries. In addition, avoidant and ambivalent-insecure attachment styles ($P < .001$) were the predictors of the continuity of in-law relationships.

The research findings support the belief that primary relationships in the family environment could be associated with the formation of specific attachment styles, and these primary experiences directly affect the interpersonal relationship of couples regarding in-law interactions.

Keywords: Relationship with In-laws, Culture, Attachment Styles, Secure Attachment Style, Avoidant Attachment Style, Ambivalent-Insecure Attachment Style

مقدمه

خانواده عامل همبستگی و رکن اصلی در هر جامعه است و ثبات و سلامت جامعه، در گرو سلامت خانواده است. زیربنای یک خانواده سالم و موفق را ارتباطات صمیمانه در آن شکل می دهند. بطوریکه روابط خانوادگی پیش نیاز مهمی برای سلامت هیجانی و موفقیت اجتماعی افراد به شمار می رود. حتی هنگامی که فرزندان از خانواده

های اصلی خود مستقل می شوند و خانه ی پدری را برای تشکیل خانواده جدید ترک می کنند همچنان پیوندهای عمیق عاطفی خود را با اعضای خانواده اصلی شان حفظ می کنند) سالمون و شاکلفورد، ۰۲۲۲). اهمیت حفظ رابطه زوجین با خانواده های یکدیگر به حدی است که مساله ارتباط با خانواده همسر و تاثیر شدید آن بر ثبات زندگی زناشویی را به یک مساله وابسته به فرهنگ در جامعه ایرانی تبدیل کرده است. به استناد نتایج پژوهش های انجام شده خانواده اصلی زن و شوهر و کیفیت ارتباط بین زوجین با آنها، نقش مهمی در کیفیت و ثبات زندگی همسران ایرانی ایفا می کند. نقش ارتباط همسران با خانواده یکدیگر آنقدر مهم است که در پژوهش های انجام شده در زمینه شناسایی عوامل پیش بینی کننده طلاق در ایران، عامل مذکور جز پنج عامل اول و مهم پیش بینی کننده طلاق معرفی شده است (فاتحی زاده، بهجتی و نصرافهانی، ۰۹۳۱؛ سامانی، ۰۹۳۱؛ زرگر و نشاط دوست، ۰۹۳۱؛ قطبی و رحیمی، ۰۹۳۱؛ مظاهری، صادقی، روشن و همکاران، ۰۹۳۲). با وجود اهمیت مساله ارتباط همسران با خانواده های یکدیگر در فرهنگ ایرانی، دانش موجود درباره ماهیت این ارتباط و عوامل مرتبط با کیفیت آن بسیار محدود و ناچیز است.

سبکهای دلبستگی یکی از مفاهیم بنیادی است که می تواند به تبیین چگونگی ارتباطات فردی و از جمله ارتباط با خانواده همسر بپردازد. دلبستگی یک نظام مهار رفتاری با مبنای زیست شناختی است که به کاربرد چهره های دلبستگی توسط کودک به منزله ی یک پایگاه امن، منجر می شود؛ پایگاهی که بر اساس آن کودک به اکتشاف محیط دست می یابد(رحیم زاده، ۰۹۳۲). (از دیدگاه بالبی) ۰۳۳۰؛ نقل از بری^۹، بارکلون^۱ و وردن^۵، ۰۲۲۲) افراد در نتیجه تعامل با مراقبت کننده های دوران کودکی خویش به انتظاراتی درباره روابط اجتماعی و تجسم هایی از خود در رابطه با افراد مهم زندگی خویشان، دست می یابند که در تمامی مراحل زندگی تعیین کننده اند. این انتظاراتها و تجسم ها تفاوت های افراد را در سه زمینه اصلی نشان می دهند: باورهای افراد درباره خود و دیگران، کنش های بین فردی و نظم جویی های عاطفی^۱ بری و همکاران، ۰۲۲۲). به این ترتیب تفاوت های شناختی، هیجانی و ارتباطی افراد را می توان در چهارچوب نخستین سبک های دلبستگی بازشناخت.

این‌ثورت با گسترش نظریه بالبی، سبک های دلبستگی را به سه دسته ی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا تقسیم کرده است. کودکان ایمن از والدین به عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف محیط استفاده می کنند) به نقل از کاسدی ، ۰۳۳۰. کودکان ایمن در اکثر موقعیت ها احساس راحتی و امنیت می کنند و تجسمی مثبت، حمایتگر و پاسخ دهنده از مادر خود دارند. کودکان دوسوگرا در موقعیت ناآشنا مشکل تر می توانند به احساس آرامش و آسایش دست یابند. آنها بین کشش به سوی مادر و اجتناب از مادر در نوسانند، به این ترتیب آن ها به مادر نزدیک می شوند سپس مادر را پس می زنند .این کودکان به راحتی نمی توانند به اکتشاف و دستکاری در محیط بپردازند و همچنین آنها به لحاظ خلق در برابر تنیدگی ها آسیب پذیرترند (کاسدی ، ۰۳۳۱). کودکان نایمن اجتنابی در برابر افراد ناآشنا منقلب نمی شوند و احتیاط اندکی نشان می دهند (خانجانی ، ۰۹۳۵). چنان چه مادر آنها را در آغوش بگیرد با حرکات پیچ و تاب و تکان دادن خود سعی در پایین آمدن می نمایند و همچنین این کودکان در عواطف خود نسبت به مادر بی تفاوتند و به نظر می رسد اهمیت روابط دلبستگی با مادر را انکار می کنند (اسپانگلر ، ۰۳۳۹). طرفداران این نظریه معتقدند به

¹. Salmon & shakelford

^۲. Bowlby

^۳. Berry, K.

^۴. Barrowclough, C.

^۵. Warden, A.

^۶. Affective Regulation

احتمال زیاد سبک دلبستگی کودک بر اساس الگوهای فعال درونی از خود و چهره ی دلبستگی تا بزرگسالی ادامه می یابد و در روابط بزرگسالی فرد منعکس می شود. الگوهای فعال درونی از چهره ی دلبستگی یعنی باورها، انتظارات و احساسهای فرد در مورد حساسیت و پاسخ دهنده گی چهره ی دلبستگی و شامل ارزش شایستگی ای می شود که فرد برای خود در دریافت توجه و محبت از دیگران قابل می شود (روبین، ۰۳۳۳). پژوهش ها نشان می دهند کیفیت روابط مادر-کودک در دوران کودکی در تحول الگوهای فعال درونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی نیز تحت تاثیر همین الگوهای فعال درونی قرار می گیرند. بنابراین سوال پژوهش حاضر عبارت است از: سهم سبک های دلبستگی در پیش بینی ارتباط آنها با خانواده همسر به چه میزان است؟ **روش**

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه: این پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه جمع آوری داده ها از نوع توصیفی است که در قالب یک طرح همبستگی پیش بین انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر زوجین ۰۲ تا ۱۵ ساله ساکن قم بودند که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای (۰۲۲ نفر) (۰۲۲ مرد و ۰۲۲ زن) انتخاب شدند.

ابزار: در پژوهش حاضر برای به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز از مقیاس دلبستگی کولینز و رید و مقیاس سیستمی-مثلی استفاده شد. **مقیاس دلبستگی کولینز و رید** شامل خود ارزیابی ایجاد روابط و خود وصفی به شیوه شکل دهی روابط دلبستگی، نسبت به نمادهای دلبستگی نزدیک است و ۰۳ ماده دارد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت (از به هیچ وجه با خصوصیات من مطابقت ندارد، نمره ۰ تا با خصوصیات من کاملا مطابقت دارد، نمره ۵) سنجیده می شود. هر خرده مقیاس متشکل از ۱ ماده است، خرده مقیاس ها عبارتند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا. پژوهش های متعدد پایایی قابل قبولی را برای این مقیاس با استفاده از شیوه آزمون مجدد به دست داده اند، به طور مثال، ثبات آزمون مجدد ۲/۲ برآورد شده است. پاکدامن (۰۹۳۲) نیز برای دستیابی به پایایی

این آزمون ۰۲۲ نفر دانش آموز (۵۲ دختر و ۵۲ پسر) سال دوم دبیرستان با سن حدود ۰۱/۵-۰۵/۵ سال که به طور تصادفی انتخاب شده بودند را به فاصله یک ماه توسط مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید مورد آزمون قرار داد و با توجه به همبستگی بالا بین دو نوبت، ضریب قابلیت اعتماد را کافی دانست. همچنین، وی با بررسی میزان همبستگی سه خرده مقیاس این مقیاس روی ۰۲۲ نفر (۵۲ دختر و ۵۲ پسر) کلاس دوم دبیرستان (که در بررسی قابلیت اعتماد مقیاس مورد نظر قرار گرفته بود) به روایی واگرا که نوعی روایی سازه است دست یافت که نشان می دهد سه خرده مقیاس، سه محتوای متفاوت از دلبستگی را می سنجند . **مقیاس سیستمی- مثلثی خانواده** یک ابزار خود گزارشی با ۳۲ گویه است که در آن ۹۱ گویه به سنجش پیوستگی بین پاسخ دهنده در خانواده همسرش اختصاص دارد. ۹۵ گویه به بررسی وجود مرز منعطف بین همسر فرد و خانواده همسرش می پردازد. در نهایت ۰۳ گویه نیز به بررسی وضعیت اتحاد بین فرد و همسرش می پردازد (چراغی، ۰۹۳۲). برای بررسی روایی صوری این پرسشنامه، هشت تن از متخصصان روانشناسی که در حوزه زوج درمانی و خانواده درمانی فعالیت داشته اند پرسشنامه را بررسی و درباره تطابق گویه های آن با مفاهیم مورد سنجش نظر دادند. متخصصان از نظر صوری و محتوایی توان پرسشنامه را در سنجش سه مقوله اتحاد بین همسران، مرز بین همسر میانجی و خانواده همسر و پیوستگی هرد با خانواده همسر را مناسب ارزیابی کردند. برای محاسبه ضریب توافق از ضریب همبستگی درون طبقه ای^۲ استفاده شده است. ضریب توافق محاسبه شده برای خرده مقیاس اتحاد زناشویی ۲/۳۱، مرز بندی منعطف ۲/۳۰ و پیوستگی (۲/۳۱) > ۲/۲۰ (بود. برای بررسی روایی سازه ابزار از تحلیل عوامل اکتشافی استفاده استفاده گردید.

در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر آماره های توصیفی از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته ها

براساس یافته های توصیفی پژوهش، میانگین سن شرکت کنندگان ۹۰/۰۰ سال (انحراف معیار ۱/۳۰) بود. از ۰۲۲ شرکت کننده، ۰۲۲ نفر مرد با میانگین سنی ۹۹/۳۱ سال و انحراف معیار ۱/۵ سال و ۰۲۲ نفر زن با میانگین سنی ۰۳/۲ سال و انحراف معیار ۱/۵ سال بودند. از لحاظ تحصیلات مردان، ۹۱ نفر دیپلم، ۵ نفر کاردانی، ۹۳ نفر کارشناسی و ۰۹ نفر کارشناسی ارشد و دکتری داشتند و زنان، ۵۳ نفر دیپلم، ۱۰ نفر کاردانی، ۰۳ نفر کارشناسی و ۲ نفر کارشناسی ارشد داشتند.

جدول ۰ میانگین و انحراف استاندارد نمره های آزمودنی ها را بر حسب رضایت و عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر و سبک های دلبستگی نشان می دهد. بر این اساس، به طور کلی در زنان و مردان میزان عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر بیشتر از رضایت از برقراری این ارتباط است. علاوه بر این میانگین نمره آزمودنی ها در رضایت از ارتباط با خانواده همسر در مردان با میانگین ۰۰۱/۱۵ نسبت به زنان با میانگین ۰۰۵/۰۱ بیشتر است. علاوه بر این میانگین نمره آزمودنی ها در رضایت از ارتباط با خانواده همسر (۰۰۵/۳۵) و میانگین در سبک دلبستگی ایمن (۰۳/۹) با هم رابطه مستقیم دارند و سبک های دلبستگی ناایمن دوسو گرا (۰۲/۰) و ناایمن اجتنابی (۰۳/۰۱) با عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر (۰۵۲/۵) رابطه مستقیم دارند.

جدول ۰: میانگین و انحراف معیار رضایت و عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر و سبک های دلبستگی

متغیر	مردان (n=۰۱۱)		زنان (n=۰۱۱)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رضایت از ارتباط با خانواده همسر	۰۰۱/۱۵	۰۹/۲۳	۰۰۵/۰۱	۰۹/۲۳

۰۰/۱۲	۰۵۳/۰۳	۰۳/۹	۰۵۱	عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر
ایمن ۰۳/۹۱ ۰۳/۹۱ ۹/۰۵ ۰۳/۰۳ ۹/۹۳ سبک های نایمن اجتنابی ۰۳/۰۰ ۵/۱ ۰۳/۰۵ ۵/۳ دل بستگی نایمن دوسوگرا ۰۱/۰۳ ۲/۱۰ ۰۱/۳۳ ۵/۰۱				

برای بررسی رابطه سبک های دل بستگی (ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا) با ارتباط با خانواده همسر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول ۰ ارائه شده است. ضریب همبستگی بین رضایت از ارتباط با خانواده همسر با سبک دل بستگی ایمن $r=0.22$ (با توجه به سطح معناداری $2/25$ معنی دار است. به عبارت دیگر بین دو متغیر رضایت از ارتباط با خانواده همسر و سبک دل بستگی ایمن رابطه ی مستقیم و مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی بین مولفه های ارتباط با خانواده همسر ، اتحاد، مرزبندی و پیوستگی به ترتیب $2/23$ ، $2/32$ و $2/52$ با معنی داری در سطح $2/20$ است. به این معنی

7. Intraclass Correlation Coefficient

که با افزایش اتحاد، مرزبندی و پیوستگی رضایت از ارتباط با خانواده همسر افزایش می یابد. ضریب همبستگی بین سبک های دل بستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا با عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر به ترتیب $-2/0$ ، $-2/051$ و $-2/023$ است. که سبک دل بستگی به طور معکوس در سطح $2/25$ معنی دار است. به عبارت دیگر با افزایش سبک دل بستگی ایمن رضایت از ارتباط با خانواده همسر افزایش می یابد.

									ارتباط بد
									اتحاد
									مرزبندی
									پیوستگی
									ایمن
									ناایمن اجتنابی
									ناایمن دوسوگرا

با توجه به جدول ۰، ضریب همبستگی بین سبک های دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا و ارتباط با رضایت از خانواده همسر به ترتیب ۲/۰۱۲، ۲/۰۰۵ و ۲/۰۰۳ است که سبک دلبستگی ایمن در سطح ۲/۲۵ معنی دار است. همچنین ناایمن دوسوگرا با مولفه ی مرزبندی (۲/۰۲۱) رابطه معناداری در سطح ۲/۲۰ دارد و سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی به طور معنای داری با مولفه ی پیوستگی (۲/۰۲۲) در سطح ۲/۲۵ دارد. علاوه بر این، برای پاسخ به این سوال که کدامیک از مولفه های سبک های دلبستگی توان پیش بینی تغییر واریانس رضایت از ارتباط با خانواده همسر را دارند؟ از روش آماری تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس گام به گام نشان می دهد که از بین متغیرهای پیش بین سبک دلبستگی ایمن توان پیش بینی متغیر رضایت از ارتباط با خانواده همسر را دارد و سایر متغیرها به این دلیل که توان پیش بینی کافی نداشتند از معادله ی رگرسیون خارج شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین میانگین رضایت از ارتباط با

خانواده همسر و عدم رضایت از این ارتباط با متغیرهای پیش بین در جدول ۹ ارائه شده است. بر اساس یافته های به دست آمده میزان F مشاهده شده برای متغیر سبک دلبستگی ایمن، معنی دار است ($P < ۲/۲۰$) و این متغیر به تنهایی ۲/۲۰ درصد از تغییرات واریانس مربوط به ارتباط با خانواده همسر را تبیین می کند ($r^2 = ۲/۲۰$) و سبک های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا توان پیش بینی عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر را دارند. بر اساس یافته های به دست آمده میزان F مشاهده شده برای متغیر سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا، معنی دار است ($P < ۲/۲۰$) و این متغیر ها نیز ۲/۲۰ درصد از تغییرات واریانس مربوط به عدم رضایت از ارتباط با خانواده همسر را تبیین می کنند ($r^2 = ۲/۲۰$).

جدول ۹، خلاصه ی مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون ارتباط با خانواده همسر بر متغیرهای پیش بین سبک های دلبستگی

SE	R2	R	درجه آزادی	سطح معناداری	F	مجموع میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	مدل شاخص	گام
۲/۱۳	۲/۲۰	۲/۰۱۲	۰	۲/۲۰	۱/۹۵	۰/۲۱۵	۰/۲۱۵	رگرسیون باقیمانده	۰
۲/۱۳	۲/۲۰	۲/۰۵۱	۰	۲/۲۰	۱/۳۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	رگرسیون باقیمانده	۰

•: متغیر ملاک: رضایت از ارتباط با خانواده همسر

• متغیر ملاک: رضایت از ارتباط با خانواده همسر

با توجه به جدول ۱، ضرایب تاثیر سبک دلبستگی ایمن ($B = ۲/۰۱۲$) و سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا ($B = -۲/۳۱۳$)، و آماره های t نشان می دهند که این متغیرها می توانند با اطمینان $۲/۳۳$ تغییرات مربوط به رضایت از ارتباط با خانواده همسر را پیش بینی کنند. یعنی با افزایش نمره سبک دلبستگی ایمن، رضایت از ارتباط با خانواده همسر افزایش می یابد و با کاهش نمره سبک دلبستگی دوسوگرا، رضایت از ارتباط با خانواده همسر افزایش می یابد.

جدول ۱؛ ضرایب تاثیر، بتا و تی رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش بین سبک های دلبستگی

متغیر شاخص	B	SEB	Beta	t	سطح معنی داری
سبک ایمن	۲/۰۰	۲/۲۰۰	۲/۰۱۲	۰/۲۳	۲/۲۰
های نایمن دوسوگرا	-۲/۳۱۳	۲/۹۱۵	-۲/۰۲۰	-۱۵۲/۰	۲/۲۰
دلبستگی					

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایت از ارتباط با خانواده همسر است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد. که مولفه های سبک های دلبستگی (ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا) با رضایت از ارتباط با خانواده همسر رابطه دارند. از این متغیرها سبک دلبستگی ایمن و نایمن دوسوگرا بهترین پیش بینی کننده رضایت از ارتباط با خانواده همسر هستند. این یافته ها بیانگر نقش و اهمیت روابط اولیه ی بزرگسالان در پی ریزی و نحوه ی ارتباط در بزرگسالی می باشد. به عبارت دیگر سبک دلبستگی در کودکی شکل گرفته و ارتباط های بدی فرد را پیش بینی می کند خانجانی، ۰۹۳۵.)

با توجه به تحلیل رگرسیون گام به گام سبک های دلبستگی ایمن و نایمن دوسوگرا ۰ درصد تغییر واریانس رضایت از ارتباط با خانواده همسر را پیش بینی می کنند. افراد با سبک دلبستگی ایمن دارای ویژگیهایی از قبیل اعتماد به خود و دیگران، درک مثبت و حمایت اجتماعی، رفتار اکتشافی و انفعال پذیری، تمایل به بخشش و مهار هیجانهای منفی میباشند که این ویژگیها موجب استحکام روابط زوجین شده و رضایت آنها را از ارتباط با دیگران از جمله ارتباط با خانواده همسر را افزایش میدهد. فرد با سبک دلبستگی اجتنابی به شدت از ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه، گریزان است و به محض این که احساس میکنند ارتباط در حال نزدیکی است، ناهوشیارانه از آن اجتناب میکنند که این موجب کاهش روابط بین زوجین شده و منجر به کاهش رضایت آنها از ارتباط با دیگران می شود. افراد با سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا نیز، معمولاً در روابط خود ترس از طرد شدن دارند (روبین، ۰۳۳۳). همچنین غالباً تمایلی به نزدیک شدن به دیگران ندارند و نگرانند که طرف مقابلشان متقابلاً به احساسات آنها پاسخ ندهد که منجر به سردی و دوری رابطه میگردد. به عبارت دیگر، ویژگیهای رفتاری و شخصیتی فرد دوسوگرا بر ارتباط وی با خانواده همسرش تاثیر منفی میگذارد. از این نظر که فرد دوسوگرا به دلیل احساس اضطراب و طردشدگی دایمی و همچنین چسبندگی و دلبستگی شدید و احساس خطر دایمی، بیش از حد برای خانواده همسر خود از لحاظ روانشناختی مشکل ایجاد می کنند و تا حدی با کنترل و چسبندگی دایمی به آنها، آزادیها و خودمختاری طرف مقاب شان را سلب میکند. تحمل این نوع رفتار و

ویژگیهای فرد دوسوگرا برای طرف مقابل، مشکل ایجاد کرده و در درازمدت موجب سردی رابطه و ناراضی می‌گردد. قابل پیشبینی است که چنین ویژگی‌هایی، ارتباطات فرد را تحت تاثیر قرار داده و موجب عدم رضایت از رابطه می‌گردد.

در مجموع، نتایج یافته‌های پژوهش نشان از اهمیت تجارب تحولی اولیه‌ی افراد در خانواده می‌باشد که این تجارب در شکل دهی روابط صمیمی بعدی و نحوه‌ی برخورد با مسایل خانوادگی نقشی اساسی دارند که این نتایج از نظریه‌ی بالبی حمایت میکند.

درمانگران و مشاوران خانواده و ازدواج میتوانند با تکیه بر یافته‌های چنین پژوهشهایی، اقداماتی موثر در جهت حل تعارضات زوجیهایی صورت دهند که از قبل با هم ازدواج کرده‌اند و اکنون در میانه‌ی راه زندگی زناشویی خود بوده و ممکن است در زندگی خود با تعارضاتی رو به رو باشند که از حل آنها عاجز مانده‌اند یا خانواده‌هایی که برای دریافت کمک به آنها مراجعه کرده‌اند، به انجام برسانند. این یافته‌ها به ویژه برای درمانگرانی که بر نقش فرآیندهای انتقال بین نسلی تاکید دارند، مفید خواهد بود.

منابع

۰. خانجانی زینب، حسینی نسب سید داوود، کاظمی آمنه سادات، پناه علی امیر (۰۹۳۰)؛ سبک‌های دلبستگی و اختلالات شخصیت: تحلیلی بر نقش ناایمنی دلبستگی بر اختلالات شخصیت خوشه B و C، مطالعات روانشناسی بالینی، دوره ۰، شماره ۲، از صفحه ۳۲ تا صفحه ۰۰۳.
۰. فاتحی دهاقانی ابوالقاسم، نظری علی محمد (۰۹۳۲)؛ تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۰۵، از صفحه ۰۹ تا صفحه ۵۱.
۹. چراغی مونا، مظاهری محمدعلی، موتابی فرشته، پناغی لیلی، صادقی منصوره السادات (۰۹۳۹)؛ مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۰۲، شماره ۱۲، از صفحه ۱۵۰ تا صفحه ۱۲۱.

۱. چراغی، مونا (۰۹۳۹)، سبک های ارتباط با خانواده همسر در زوجین ایرانی و طراحی و اثر بخشی بسته مداخله ای مبتنی بر فرهنگ بر سازگاری زناشویی و کیفیت ارتباط با خانواده همسر، پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

۵. Khanjani Z. [Attachment pathology and development]. ۱st ed. Tabriz: Forouzes; ۲۰۰۵: ۱۶-۱۲۲.(Persian)
۶. Robyn AP, Evelyn DS. (editors). Attachment and marital adjustment. Proceeding of the ۶th
۷. Australian Institute of Family Studies Conference, Changing Family, Challenging Futures; ۱۹۹۸;November ۲۵-۲۷, Melbourne, Australia, ۱۹۹۸.
۸. Cassidy J, Marvin RS. [Attachment organization in preschool children: Procedures and coding manual]. ۴th ed. Virginia: University of Virginia; ۱۹۹۲: ۲۲.
۹. Cassidy J, Berlin J. The insecure ambivalent pattern of attachment: theory and research. J Child Dev ۱۹۹۴; ۶۵: ۹۷۱-۹۱.
۱۰. Spangler G, Grossmann KE. Biobehavioral organization in securely and insecurely attached infant. J Child Dev ۱۹۹۳; ۶۴: ۱۴۳۹-۵۰.